

مدخل اصلی: مالیات

TAX

مالیات مقوله‌ای است با ابعاد اقتصادی، سیاسی و اجتماعی و بدین لحاظ تعریف و تبیین آن پیچیدگی زیادی دارد. از دیرباز تأمین مخارج حکومتی و عمومی مستلزم برقراری و وصول نوعی مالیات از مردم بوده است. حاکمان هر دوره به مقتضای نیاز و نوع ثروت و محل درآمد مردمان تحت حکومت، به وضع مالیات می‌پرداختند. امروزه نیز دولت‌ها کم‌وبیش به همین ترتیب عمل می‌کنند. مهمترین نقطه عطف دوران جدید نسبت به دوران قدیم صرفاً در شیوه وضع (قانون‌گذاری) مالیات است که این امر از اختیار قوه مجریه خارج شده و به قوه مقننه سپرده شده است.

در حال حاضر در اکثر کشورها از جمله ایران اساساً مالیات طبق قوانینی که به وسیله مجلس به تصویب می‌رسد قابل وصول است. این قوانین شامل مواردی از جمله تعریف و تبیین مودیان، پایه‌ها و نرخ‌های مالیاتی، معافیت‌ها و تخفیفات، سازمان تشخیص و وصول، ضمانت‌های اجرایی و آیین دادرسی هستند.

بنابراین دولت‌ها همواره به دنبال روش‌هایی برای مدیریت اقتصاد و تأمین مخارج عمومی هستند و مالیات ابزاری کارآمد برای انجام این کار است. اصولاً وضع و اخذ مالیات به بیش از یک هدف جامه عمل می‌پوشاند، ولی مالیات‌ها عمدتاً تأمین‌کننده درآمد برای دولت هستند و این هدف و انگیزه اولیه وضع هر نوع مالیات محسوب می‌شود. اگر چه هدف اصلی از ایجاد نظام مالیاتی در هر کشوری دستیابی به اقتصادی سالم و متکی به منابع درون‌زا است اما در ادبیات اقتصادی مالیات‌ها عمدتاً به دلیل ویژگی تنظیمی و سازماندهی روابط اقتصادی آن‌ها مطرح می‌شوند زیرا مالیات‌ها می‌توانند از منظر اقتصاد خرد ویژگی تنظیمی داشته باشند و یا از لحاظ اقتصاد کلان فرایند تثبیت اقتصادی یا اهداف رشد اقتصادی را متاثر سازند (پورمقیم، ۱۳۶۹) و (شالیزی، ۱۳۷۲).

مالیات‌ها انگیزه‌های تولید، پس‌انداز و مصرف را تغییر می‌دهند و در نتیجه در استفاده خصوصی از منابع عدم کارایی ایجاد کرده زیرا افراد رفتار خود را بر مبنای مالیات وضع شده تعدیل می‌کنند. در نتیجه مالیات حالت خنثی و بی‌طرف ندارد و بر تصمیم‌های اقتصادی اثر می‌گذارد. بدین لحاظ اصولاً چند هدف عمده و تبعاً اثر کلی از وضع مالیات متصور است که مهم‌ترین آن‌ها عبارتند از تأمین درآمد، توزیع ثروت، تثبیت اقتصادی و تخصیص منابع. لذا علاوه بر هدف اصلی تأمین درآمد، نقش دولت‌ها در توزیع مجدد درآمدها به منظور کاهش فاصله طبقاتی و ایجاد امنیت بیشتر اقتصادی برای آحاد جامعه و یا انجام اقدامات تثبیتی در مواجهه با ادوار رونق و رکود اقتصادی از طریق مکانیزم بودجه عمومی موجب شده است تا به مالیات‌ها به عنوان ابزاری صرفاً برای تأمین نیازهای مالی دولت نگاه نشود (دادگر، ۱۳۹۷) و (روزن، ۱۳۷۸).

از مالیات تعاریف متفاوتی ارائه شده است که یکی از جامع‌ترین آن‌ها تعریفی است که سازمان همکاری و توسعه اقتصادی اروپا (OECD) بیان نموده است. طبق نظر این سازمان مالیات پرداختی است الزامی و بلاعوض که دولت از اشخاص حقیقی و حقوقی متناسب با ثروت و یا درآمد آن‌ها دریافت می‌کند تا آن را در راستای منافع جامعه هزینه نماید (توکل، ۱۳۷۹). صندوق بین‌المللی پول (IMF) مالیات را چنین تعریف می‌کند: مالیات عبارت است از وجوه اجباری، غیرجبرانی و غیرقابل بازگشت که دولت برای مقاصد عمومی مطالبه می‌کند (GFS, 2014). به عبارت دیگر مالیات به معنای برداشت قانونی از درآمد یا ثروت افراد حقیقی و یا حقوقی است که به منظور پرداخت هزینه‌های عمومی و اجرای سیاست‌های اقتصادی توسط دولت صورت می‌گیرد. لذا می‌توان گفت که مالیات حق اجتماع است بر عهده کسانی که در سایه مواهب جامعه به زندگی و فعالیت اقتصادی مشغولند و در واقع سهمی است از حاصل تلاش آن‌ها که به اجتماع تعلق می‌گیرد.

آدام اسمیت در کتاب ثروت ملل خود چهار قاعده کلی برای یک نظام مالیاتی بیان داشته است که تا به امروز مورد تجزیه و تحلیل و بسط و تفصیل بسیاری از صاحب نظران اقتصادی و به ویژه متخصصین مالیه عمومی قرار گرفته است. این قواعد بر تمامی فرایند مالیات بندی حاکم است بدین معنا که از سیاستگزاری و تدوین و تصویب قوانین تا مراحل پیاده سازی و روش های اجرایی و رفتار حرفه ای مأمورین مالیاتی در دستگاه اداری مالیات از این قواعد متأثر می شوند. این چهار قاعده عبارتند از (Smith, 2007):

۱. انصاف: به طور کلی مالیات باید متناسب با توانایی مالیات دهنده بوده، عمومیت داشته و تمام افراد در آن مشارکت داشته باشند. بر این اساس همواره توزیع مناسب بار مالیاتی (Tax Burden) یکی از دغدغه های مسئولین سیاستگزاری اقتصادی بوده است. این اصطلاح را بعضاً برابری یا عدالت مالیاتی (Tax Equity) نیز می نامند. در این زمینه دو جنبه از برابری مالیاتی وجود دارد که به عدالت عمودی (Vertical Equity) و عدالت افقی (Horizontal Equity) مشهورند. بر حسب دکترین عدالت عمودی مودیانی که در شرایط متفاوتی هستند باید مشمول رفتار مالیاتی مختلفی باشند با این هدف که صاحبان درآمد یا سرمایه بیشتر مالیات افزون تری بپردازند. اما در عدالت افقی مودیان دارای شرایط مشابه باید از رفتار یکسان مالیاتی برخوردار شوند. بر این اساس مودیانی که در سطح درآمد یا ثروت یا مصرف یکسان هستند باید به یک میزان مالیات بپردازند حتی اگر درآمد آن ها از طرق مختلف کسب شده باشد.

اگر چه دستیابی به هدف برابری در کلیه سیستم های مالیاتی مورد توجه قرار دارد، اما در مورد مالیاتی که منصفانه ترین توزیع بار مالیاتی از آن حاصل شود اتفاق نظر وجود ندارد. به منظور اجرای عدالت مالیاتی دو دیدگاه عمده

وجود دارد که رایج ترین آن ها نظریه قدرت پرداخت (Ability to Pay) است به این معنا که هر کسی دارا تر است مالیات بیشتری بپردازد. اصل توانایی پرداخت یا ظرفیت مالیاتی به مفهوم مبلغ مالیاتی است که هر مودی از جهت نظری قادر به پرداخت آن است. بر مبنای این اصل است که دارندگان درآمد بالاتر یا ثروت بیشتر باید مالیات زیاده تری در مقایسه با صاحبان درآمد یا ثروت کمتر پرداخت کنند. به این ترتیب توان پرداخت به ظرفیت مالیاتی هر مودی در قیاس با سایر افراد مرتبط می شود. به عبارت دیگر هدف از این اصل بیشتر توزیع عادلانه تر بار مالیاتی بین مودیان است تا آن که ابزاری باشد جهت تعیین مبلغ بالفعلی که هر مودی معینی قادر به پرداخت آن است. اصل توان پرداخت از جمله به عنوان دلیلی جهت تأیید نرخ های مالیاتی تصاعدی، وضع مالیات بر دارایی، و برقراری تخفیفات مالیاتی مورد استناد قرار می گیرد. دیدگاه دیگر نظریه انتفاع یا بهره مندی است که به اصل فایده (Benefit Principle) نیز شهرت دارد. بر این اساس پرداخت مالیات باید متناسب با منافع حاصل از خدمات دولت باشد. به عبارت دیگر کسانی که از فواید عمومی خدمات دولت بیشتر بهره می برند باید مالیات بیشتری بپردازند. مسلماً هر یک از این دیدگاه ها از نظر تحلیل علمی دارای ابعاد گوناگونی هستند اما آنچه مسلم است باید همه عوامل سیاسی، اداری، و توانایی اجرایی دولت در برقراری مالیات مورد نظر در مرحله عمل مورد توجه قرار گیرد (عرب مازار، ۱۳۷۶).

۲. شفافیت: این قاعده ناظر به وظایف قانون گذار و دولت در خصوص مالیات نسبت به مالیات دهنده است. به موجب این اصل مالیاتی که هر فرد موظف به پرداخت آن است باید نه تنها از لحاظ منبع بلکه از نظر مأخذ و پایه مالیات، زمان پرداخت و روش پرداخت مشخص و معلوم باشد. مودی باید دقیقاً بداند که چه مالیاتی را تحت چه شرایطی باید

دو مفهوم اساسی دربارهٔ مالیات‌ها وجود دارد که عبارتند از پایه و نرخ مالیات. هر کالا یا هر فعالیت اقتصادی که مالیات به آن تعلق گیرد را پایه، مبنا یا مأخذ مالیاتی (Tax Base) می‌نامند. معمول‌ترین پایه‌های مالیاتی را می‌توان به سه گروه عمده درآمد، مصرف و ثروت تقسیم کرد. البته ممکن است مالیات پایه‌ای غیراقتصادی نیز داشته باشد، مثل مالیات سرانه که امروزه کمتر رایج است. پایه مالیات می‌تواند بر فرد، خانوار، واحد اقتصادی، معاملات و یا دارایی تعلق گیرد. مثلاً در مالیات بر حقوق و دستمزد مالیات به دریافت‌کننده یا در مالیات ارزش افزوده مالیات به مصرف‌کننده نهایی تعلق گرفته در حالی که در مالیات بر معاملات مسکن فروشنده (صاحب دارایی) ملزم به پرداخت مالیات است. البته در متون فنی و به‌ویژه در قوانین مالیاتی بعضاً به جای پایه مالیات از عبارت درآمد مشمول مالیات استفاده می‌شود. این عنوان را می‌توان به معنی مبلغی دانست که مالیات عملاً به آن تعلق می‌گیرد و یا به عبارت دیگر مبلغی که نرخ مالیاتی به آن اعمال می‌شود. اصطلاح مذکور به معنای درآمد خالص مشمول مالیات، یعنی پس از کسر زیان‌ها، هزینه‌های قابل قبول، تخفیف‌ها، معافیت‌ها و سایر ارفاقات قانونی است (پورمقیم، ۱۳۶۹) و (پژویان، ۱۳۷۳).

به علاوه ممکن است بین تعلق قانونی مالیات و تعلق اقتصادی آن تفاوت وجود داشته باشد بدین ترتیب که فرد یا واحد اقتصادی بتواند بار مالیاتی خود را به فرد دیگری انتقال دهد. این پدیده به اصابت مالیات، تعلق مالیات، بارنهایی مالیات، اثر مالیات یا برخورد مالیات (Tax Incidence) مشهور است (قره‌باغیان، ۱۳۷۲) و (فرهنگ، ۱۳۶۹). لذا توزیع فشار یا بار نهایی مالیات، می‌تواند مستقل از فرد مالیات‌دهنده باشد. مثلاً اثر مالیات و یا تأثیر نهایی اخذ مالیات یا عوارض بر فروش سیگار ممکن است به واردکننده، تولیدکننده، توزیع‌کننده یا مصرف‌کننده ظاهر شود

بپردازد. لذا قانون باید قابلیت تفسیرهای متعدد را نداشته باشد و مسئولیت‌های مالیات‌دهنده برای او کاملاً روشن و واضح باشد. عدم رعایت این قاعده معمولاً موجب رشوه‌خواری، فساد و تبعیض خواهد شد.

۳. سهولت: بر این اساس شرایط مربوط به تمکین مودی و رعایت قانون و انجام تکالیف توسط مالیات‌دهنده باید به نحوی تنظیم شود که از لحاظ زمان پرداخت و شیوه پرداخت کمترین هزینه ممکنه را برای مودی داشته باشد. امروزه هزینه تمکین یکی از مقولات مهم در مدیریت مالیاتی به منظور تشویق مردم به پرداخت مالیات و جلوگیری از فرار مالیاتی است.

۴. اقتصادی بودن. طبق این قاعده که آن را اصل صرفه‌جویی نیز می‌نامند، هزینه‌های اجرا و وصول مالیات باید با میزان وصولی تناسب منطقی داشته باشد. لذا ساختار اداری سازمان مالیاتی، تعداد نیروی انسانی، و روش‌های اجرایی و تجهیزات مورد استفاده باید به نحوی سازماندهی و مدیریت شود که هزینه وصول نسبت بسیار کمی از اصل مالیات وصول‌شده را تشکیل دهد. قواعد سوم و چهارم ناظر به دو مفهوم اساسی هزینه تمکین و هزینه وصول در مدیریت مالیاتی است. بنابراین هر سیستم مالیاتی باید به سهولت و شفافیت هر چه تمامتر به این سؤال پاسخ دهد که چه اشخاصی (حقیقی یا حقوقی)، تحت چه شرایطی، از چه مأخذی، به چه میزان، در چه زمانی، و چگونه باید مالیات خود را پرداخت کنند. قوانین و مقررات مالیاتی باید شفاف، با ثبات، به هنگام، انعطاف‌پذیر، منطبق با واقعیت‌های اجتماعی، سازگار با استانداردهای حسابداری و حسابرسی، و کارآمد باشند. در غیر اینصورت نه تنها هزینه تمکین برای مالیات‌دهندگان و هزینه اجرا برای دولت افزایش می‌یابد بلکه فساد اداری و فرار مالیاتی گسترش یافته و به تبع آن اقتصاد زیرزمینی شکل می‌گیرد.

متوسط بوده و در نرخ مالیات ثابت، این دو نرخ با هم برابر می‌شوند (پورمقیم، ۱۳۶۹).

مالیات‌ها به روش‌های مختلفی طبقه‌بندی می‌شوند اما عمده‌ترین نوع طبقه‌بندی تحت‌عنوان مالیات‌های مستقیم (Direct Tax) و مالیات‌های غیرمستقیم (Indirect Tax) است. مالیات مستقیم مالیاتی است که مستقیماً از افرادی گرفته می‌شود که قانوناً مالیات بر آن‌ها تعلق می‌گیرد. مالیات‌های مستقیم شامل مالیات بر درآمد اشخاص حقیقی و حقوقی، مالیات بر حقوق و دستمزد، مالیات تأمین اجتماعی، مالیات بر ارث، مالیات بر هدایا و مالیات بر ثروت و دارایی است. مالیات غیرمستقیم مالیاتی است که علی‌رغم دریافت آن از مؤدی، پرداخت‌کننده واقعی آن فرد دیگری است. مالیات بر فروش، ارزش افزوده یا سرمایه در گردش و همچنین مالیات‌های انتخابی بر کالاهای خاص مانند کالاهای انحصاری و نیز مالیات بر تجارت بین‌المللی مانند عوارض گمرکی بر واردات و مالیات بر صادرات و نیز برخی مالیات‌های تکلیفی از جمله این نوع مالیات‌ها هستند. طبقه‌بندی دیگری وجود دارد که در آن مالیات‌ها تحت عناوین عمومی یا کلی (General Tax) و یا خاص (Specific Tax) تفکیک می‌شوند. مالیات عمومی یا کلی مالیاتی است که بر کل پایه مالیاتی وضع می‌شود، اما اگر صرفاً بخش معینی از پایه مالیات به علت برقراری معافیت، تخفیف یا ارفاق مشمول مالیات باشد آن را مالیات خاص می‌نامند. لذا مالیات خاص ممکن است فقط جنبه خاصی از یک فعالیت اقتصادی یا مصرف اقلام معینی از کالا و خدمات را شامل شود.

در سال‌های اخیر پدیده تجارت الکترونیکی چالش‌هایی جدی برای سازمان‌های مالیاتی ایجاد کرده است. ویژگی‌های ساختار این شیوه خریدوفروش کالا و خدمات روش‌های سنتی و متعارف‌شناسایی مؤدیان، ممیزی صورت‌های مالی،

که مجبور به پرداخت مالیات ذیربط است. لذا این امکان وجود دارد که تمام یا بخشی از بار مالیاتی به طریقی به دیگران انتقال یابد. انجام این امر بستگی به کشش قیمتی عرضه و تقاضا برای آن کالا دارد. اگر در نتیجه افزایش قیمت به دلیل اخذ مالیات از یک کالا مصرف‌کننده واکنشی نشان ندهد و مصرف خود را در همان سطح قبل ادامه دهد در این حالت تمام بار مالیات بر وی تحمیل خواهد شد. برعکس اگر وی مصرف خود را تقلیل دهد در این حالت فروشندگان (عمده‌فروش و خرده‌فروش) مجبور خواهند بود تمام یا بخشی از بار مالیات را بر عهده گیرند.

نرخ مالیات (Tax Rate) به ضریبی از پایه مالیات اطلاق می‌شود که برای تعیین میزان مالیات به پایه مالیات اعمال می‌شود. نرخ مالیات می‌تواند تصاعدی، تنازلی، ثابت (متناسب) یا مقطوع باشد. نرخ تصاعدی نرخ‌ی است که متناسب با اندازه پایه مالیاتی، مثلاً میزان درآمد افراد افزایش می‌یابد. نرخ تنازلی یا نزولی نرخ‌ی است که متناسب با افزایش اندازه پایه مالیات کاهش می‌یابد. نرخ ثابت نرخ‌ی است که در آن مالیات به صورت تناسب یا درصدی از پایه مالیات بوده و با اندازه پایه مالیات تغییر نمی‌کند. نرخ مقطوع نرخ‌ی است که بر اساس آن مقدار مالیات مستقل از میزان پایه مالیات تعیین می‌شود. این نوع مالیات را مالیات یک‌جا نیز می‌نامند. به منظور انجام تحلیل‌های اقتصادی دو نوع نرخ دیگر نیز تعریف شده است. اول نرخ نهایی مالیات که نشان‌دهنده میزان تغییر در کل درآمد مالیاتی (کل مالیات جمع‌آوری شده) به ازاء یک واحد تغییر در پایه مالیات می‌باشد. دوم نرخ متوسط مالیات است که بیانگر نسبت کل درآمد مالیاتی به اندازه پایه مالیات می‌باشد. لازم به ذکر است که در نرخ تصاعدی، نرخ نهایی مالیات بیشتر از نرخ متوسط است، اما در نرخ تنازلی نرخ نهایی کمتر از نرخ

سایر مالیات‌ها. در تدوین این نوع مالیات‌ها غالباً دو ویژگی بیشتر مورد توجه قرار می‌گیرد. ویژگی اول کارایی آن‌ها و ویژگی دوم عوامل طراحی و اجرایی هستند. بر اساس نظریه آثار خارجی، مالیات‌های پیگو کارآمدترین ابزار مالیاتی در جهت کاهش آسیب‌های زیست‌محیطی به‌شمار می‌روند. مالیات‌های پیگو مالیات‌هایی با نرخ معین هستند که به واحد انتشار آلاینده‌ها و یا تخریب زیست‌محیطی تعلق می‌گیرد. نرخ مالیات برابر با هزینه نهایی اجتماعی در سطح کارآمد اجتماعی انتشار آلودگی است. سطح کارآمد اجتماعی انتشار آلودگی زمانی اتفاق می‌افتد که منافع نهایی ناشی از رفع آلودگی برای مؤدیان برابر با هزینه نهایی اجتماعی انتشار آلاینده‌ها باشد (مک موران و همکاران، ۱۳۸۲).

کتاب‌شناسی

- پژویان، جمشید. اقتصاد بخش عمومی (مالیات‌ها). تهران: انتشارات مؤسسه تحقیقات اقتصادی، دانشگاه تربیت مدرس، ۱۳۷۳.
- پورمقیم، سیدجواد. اقتصاد بخش عمومی. تهران: نشر نی، چاپ اول، ۱۳۶۹.
- توکل، محمد. فرهنگ توصیفی اصطلاحات بین‌المللی مالیاتی. تهران: انتشارات دانشکده امور اقتصادی، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- دادگر، یدالله. اقتصاد بخش عمومی، چاپ چهارم، انتشارات دانشگاه مفید، قم، ۱۳۹۷.
- راسخ، محمد. بنیاد نظری اصلاح نظام قانونگذاری. مرکز پژوهش‌های مجلس شورای اسلامی، چاپ اول، ۱۳۸۴.
- روزن، هاروی اس. مالیه عمومی، ترجمه عین‌الله علاء، تهران: انتشارات دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۷۸، تهران.
- شالیزی، زمارک. درس‌هایی از اصلاح سیستم مالیاتی. ترجمه علی‌اکبر عرب‌مازار، تهران: انتشارات دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۷۲.
- عرب‌مازار، علی‌اکبر. "مروری بر مفاهیم و نظرات مالیاتی"، فصلنامه مالیات، دوره دوم، شماره ۱، تابستان ۱۳۷۶.
- عرب‌مازار، علی‌اکبر. "الزامات قوانین و مقررات مالیاتی در توسعه تجارت الکترونیکی". مجموعه مقالات دومین همایش تجارت الکترونیکی، چاپ اول، اسفند ۱۳۸۳.

برآورد درآمد مشمول مالیات و نهایتاً وصول مالیات را با ابهامات متعددی روبه‌رو نموده است. گسترش فضای مجازی، رشد روزافزون انجام معاملات اینترنتی، دگرگونی سریع بازارها، و نبود تدابیر مالیاتی مناسب باعث از دست دادن مبالغ قابل توجهی از درآمدهای مالیاتی در کشورهای مختلف شده است. منظور از تجارت الکترونیکی آن نوع کسب‌وکاری است که به‌ویژه با استفاده از اینترنت و سایت‌های کامپیوتری وابسته به آن صورت می‌پذیرد. بنابراین نوع و دامنه این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی همراه با پیشرفت تکنولوژی دائماً در حال تغییر و تحول است، به‌عنوان مثال مفهوم مقر دائم که معمولاً در نظام مالیاتی متعارف نیز یکی از بحث‌انگیزترین واژه‌ها می‌باشد با پیدایش تجارت الکترونیک به یک‌باره به موضوعی چالشی تبدیل شده است. به‌طور کلی آثار تجارت الکترونیک بر سیستم مالیاتی را می‌توان در دو بعد سیاست‌گذاری (اصلاح قوانین و مقررات) و مدیریت اجرایی (سازماندهی، رویه‌های اجرایی، سیستم‌های اطلاعاتی، آموزش نیروی انسانی) مورد بررسی قرار داد. ضمناً قانون تجارت الکترونیکی ایران در سال ۱۳۸۲ به تصویب رسیده است (عرب مازار، ۱۳۸۳).

مقوله نسبتاً جدید دیگری که باعث تغییر نظام‌های مالیاتی شده است استفاده از انواع مختلف مالیات‌ها در راستای حمایت از اهداف زیست‌محیطی است. اصولاً مالیات‌ها با تغییر نسبی قیمت‌ها بر فرایند تخریب محیط‌زیست تأثیر می‌گذارند. مالیات‌های زیست‌محیطی در سه گروه کلی طبقه‌بندی می‌شوند که عبارتند از مالیات بر انتشار آلاینده‌ها (مالیات پیگو)، مالیات بر نهاده‌های تولیدی و یا کالاهای مصرفی که استفاده از آن‌ها آسیب‌های زیست‌محیطی به همراه دارد (مالیات غیرمستقیم)، و مقررات زیست‌محیطی در

1. Permanent establishment

فرهنگ، منوچهر. فرهنگ علوم اقتصادی. تهران: نشر نو، چاپ ششم، ۱۳۶۹، تهران.

قره‌باغیان، مرتضی. فرهنگ اقتصاد و بازرگانی. تهران: مؤسسه خدمات فرهنگی رسا، چاپ اول، ۱۳۷۲.

مک موران، رونالد و دیوید نلور. "سیاست مالیاتی و محیط‌زیست، نظریه و کاربرد". ترجمه فرشته حاج محمدی، جستارهایی در سیاستگذاری مالیاتی، تهران: انتشارات دانشکده امور اقتصادی، ۱۳۸۲

Government finance statistics manual 2014, International Monetary Fund (IMF), p87.

Smith, Adam. Wealth of Nations, BookV, Chapter n, Part Third, MetaLibri(digital edition), 2007, p639.

علی‌اکبر عرب‌مازار

هیئت علمی دانشگاه شهید بهشتی



دانشگاه اقتصاد